



خبر

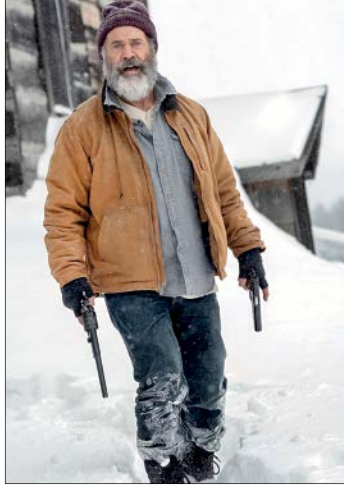
بازیگر استرالیایی تبار در اکشن دلهره‌آور تازه مل گیبسن و فعالیت‌های جدید سینمایی

🔴 مل گیبسن که کمدی کریسمسی «مرد چاق» را آماده نمایش عمومی دارد، برای دومین بار در فیلم

تازه‌اش «پاناما» در نقش مکمل ظاهر می‌شود. نقش اصلی این درام اکشن دلهره‌آور را کول هاوزر به عهده دارد. البته سازندگان فیلم می‌گویند اهمیت نقش گیبسن از همبازی جوانش کمتر نیست و ارزشی برابر با آن دارد. کلید فیلمبرداری فیلم تا پایان ماه نوامبر در پورتوریکو زده می‌شود. مارک نولدین وظیفه کارگردانی این اکشن دلهره‌آور را به عهده دارد.

داستان فیلم درباره سرباز کهنه‌کاری (با بازی هاوزر) است که با لباس میدل راهی ماموریتی سخت می‌شود. او باید عوامل یک باند خطرناک موادمخدر و اسلحه را شناسایی و نابود کند. این ماموریت از سوی فرمانده سابق جنگی او (با بازی گیبسن) داده‌شده‌است. زمانی که ماموریت سرباز جنگی به بن بست می‌خورد، فرمانده لباس رزم به تن کرده و به یاری او می‌شتابد. فیلمنامه فیلم را دانیل آدامز نوشته و برای بیشتر شدن نقش گیبسن، تغییراتی در آن اعمال شده‌است.

پاناما دومین همکاری سینمایی گیبسن و هاوزر به حساب می‌آید. این دو در سال ۲۰۰۴ در درام دلهره‌آور «پاپازانزی» با یکدیگر همکاری داشتند. گیبسن تهیه کننده فیلم و هاوزر بازیگر آن بود. شرکت فیلمسازی گیبسن به نام آپکون پروداکشنز، یکی از تهیه‌کنندگان پاناما است. گیبسن بعد از پایان کار فیلمبرداری این فیلم، بازی در «لیواهل تولدو» را شروع می‌کند. این هم یک اکشن دلهره‌آور به کارگردانی برادران تلمز است. نکته جالب این که کل صحنه‌های این فیلم هم در پورتوریکو فیلمبرداری می‌شود!



جدول شلوغ کاری گیبسن استرالیایی تبار، با قسمت دوم درام مذهبی مصائب مسیح کامل می‌شود. اما هنوز زمانی برای شروع کار فیلمبرداری آن اعلام نشده‌است. این فیلم دنباله‌ای بر داستان فیلم بسیار موفق و پرفروش این فیلمساز در سال ۲۰۰۱ است. بازیگر ۴۴ساله سینما، درام کمدی و کریسمسی «مرد چاق» را برای ایام تعطیلات سال نوی میلادی روانه پرده سینماها خواهدکرد. داستان فیلم درباره گروهی از سارقان است که در شب سال نوی میلادی، برای انجام سرقت بزرگ خود لباس قرمز رنگ باوانول را به تن می‌کنند. گیبسن مدتی قبل درام دلهره‌آور «قهر طبیعت» را در ارکان عمومی داشت، که نتوانست نظر مثبت منتقدان و تماشاگران را به خود جلب کند. فیلم با هزینه تولید ۲۳ میلیون دلاری خود، حتی نتوانست یک میلیون دلار در جدول گیشه نمایش فروش کند. او در این فیلم، برای اولین بار در یک نقش مکمل ظاهر شد.

تماشاگران سینما هاوزر را به‌خاطر مجموعه پربیننده «پلواستون» می‌شناسند. این درام تعلیقی شبکه تلویزیونی کمپانی پارامونت، توسط تیلور سوارین خلق شده و تا به حال سه فصل آن تهیه و تولید شده‌است. تولید فصل چهارم این مجموعه در دست‌ورکار تهیه‌کنندگانش قرار دارد. جالب این که سازندگان پلواستون از گیبسن دعوت کرده‌اند در فصل جدید آن، در کنار هاوزر به ایفا نقش بپردازد./ موویز



محسن طاهری، مدیرعامل خانه مداحان شد

ابراهیم صدیق، مدیر روابط عمومی خانه مداحان اهل بیت(ع) گفت: هفته گذشته، انتخابات مدیرعامل جدید خانه مداحان با حضور اعضای هیأت مدیره شامل مرتضی طاهری، اکبر بازویند، مصطفی خورسندی، محسن طاهری و سیداحمد صالحی خوانساری برگزار شد.براساس این انتخابات حاج مرتضی طاهری، رئیس هیأت‌مدیره، حاج محسن طاهری مدیرعامل و سیداحمد صالحی خوانساری نایب رئیس شد. /تسنیم

تنهاکسی که خوب است کتاب او را تصحیح کند محمدباقر صدر باید باشد! سراغ ایشان می‌رود درحالی‌که در درس خارج بوده‌اند. اما از این نوجوان استقبال می‌کند و می‌پذیرد که کتاب او را تصحیح کند و چند روز بعد با یادداشت‌هایی بر متن به او برمی‌گرداند و می‌گوید «اگر پدرت این کتاب را چاپ نکرد، من حاضرم چنین کنم!» خود عبدالعزیز حکیم در اینجا گفته بود رفتار او در مقابل بزرگ و کوچک، رفتار انبیا را برایم تداعی می‌کرد.

🔴 **کدام ویژگی شخصیت ایشان شما را خیلی جذب کرد؟**

همه ویژگی‌های ایشان جذاب است، یک آدم که به همه ابعادش توجه کرده و رشدشان داده است. نمی‌شود او را به این ابعاد تجزیه کرد، یعنی بُعد عاطفی ایشان را که نگاه می‌کنید، محبت فراوان شهید صدر وقتی معنی دارد که علمش را ببینیم. آدمی در این سطح علمی است که محبتش به دل می‌نشیند، وگرنه برای یک آدم معمولی این میزان محبت کردن در خانواده شاید طبیعی باشد. ارتباط پدرانه‌اش با شاگردانش با آن تواضع و مهربانی وقتی برایم جذاب است که در همین سطح علمی او را نگاه می‌کنم یا در کنارش می‌بینم برای این‌که آنها نتاور شوند چطور تشرشان می‌زند که بیشتر فکر کنند و با هم مباحثه‌های کارساز داشته باشند. اثرگذاری کنش‌گرانه او در حل بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی وقتی برایم معنادار است که می‌بینم در عین حال چشمداشتی به مقام و جایگاه و اعتبار دیگر ندارد و همین‌هاست که او را در مقام مرجعیت مردمی می‌نشانند. من ایشان را یک یک آدم یکپارچه می‌بینم که همه ابعادش در کنار هم خوب و تکمیل‌کننده و معاینبخش است. من در میدان‌های علمی می‌بینم که متأسفانه خصیصه‌های ناهنجاری رایج است مثل حسادت، عصبانیت و خودبزرگ‌بینی که به‌طور طبیعی وجود دارد! ولی این آدم در عین علمی بودن در ساحت مختلف کاملاً با اخلاقی رشدیافته رفتار می‌کند و اتفاقاً این‌گونه بودن برایش طبیعی است.

🔴 **چه چیزهایی نوشتن کتاب «نا» را برای شما سخت می‌کرد؟**

من داستان نویس نیستم، یعنی سعی می‌کنم سندیت متن را حفظ کنم. خود این، دشواری‌های بسیاری را به همراه دارد، هم باید جذاب بنویسم، هم سندیت را حفظ کنی، هم تصویر خلق کنی و هم این‌که این تصویر خودش باشد؛ کسی که او را می‌شناخته وقتی این کتاب را می‌خواند، این همانی تداعی شود. یعنی تخیل آن‌قدر روایت را دستکاری نکند که از موضوع اصلی دور شود. علاوه بر همه اینها وقتی درباره کسی که دوست داری می‌نویسی خیلی باید از خودت در نوشتن مراقبت کنی. اگر تأمل انتقادی نداشته باشی و سؤال نپرسی و خودت و او را نقد نکنی، نتیجه کار به اغراق نزدیک می‌شود و از فهم مخاطب فاصله می‌گیری. در این موارد سعی کردم، ولی نمی‌دانم چقدر موفق بوده‌ام.

🔴 **آیا بخشی از زندگی شهید صدر بوده‌که بخواید بنویسید اما نتوانستید؟**

بله، گاهی متنم ظرفیت خاطراتی را نداشت. البته اندک بودند؛ مثلاً روایتی از ارتباط عبدالعزیز حکیم با ایشان بود که عبدالعزیز در ۱۱سالگی کتاب کوچکی درباره نماز می‌نویسد که ۸صفحه بیشتر نداشته. در همان عالم کودکی فکر می‌کند

نویسنده نوفلم، بوکر۲۰۲۰ را برد

داگلاس استوارت برای رمان «شاگی بین» به عنوان برنده بوکر۲۰۲۰ معرفی شد. در مراسمی که در لندن برگزار شد، نام برنده در حالی اعلام شد که باراک اوباما و سه برنده قبلی بوکر شامل کارنو ایشیگورو، مارگارت آتوود و برناردین اوارپستو مهمانان آن بودند. شاگی بین، نخستین رمان این نویسنده آمریکایی - اسکاتلندی است و بر مبنای کودکی خود که در گلاسکوی دوران تاجر در دهه۱۹۸۰ و یا مادری که با اعتیاد دست و پنجه نرم می‌کرد، شکل گرفته است. /فارس



شرحی بر کتاب «نا»، درباره شهید محمدباقر صدر در گفت‌وگو با مریم برادران

«صدر» نشین انسانیت

🔴 همیشه در دوره‌های خاصی از تاریخ، ریسمانی از جنس آدم‌های خاص و برگزیده برای به جلو بردن جامعه و تعالی بخشیدن ارزش‌های اخلاقی و انسانی حاضر بودند که خیلی وقت‌ها قربانی چهل مردمان همان روزگار شدند. شهید سید محمدباقر صدر یکی از همان آدم‌هاست. کتاب «نا» که به‌تازگی در انتشارات دارالصدر منتشرشده،

زندگی شهید سید محمدباقر صدر و کوشش‌ها و مصائب ایشان در مسیر تعالی فکر و جان انسان‌ها را روایت می‌کند. «نا» با استناد به منابع موجود درباره زندگی شهید صدر، جزئیات زندگی، فعالیت‌ها و خانواده ایشان را در یک روایت نه‌چندان بلند، آورده‌است که خواندن آن دریچه روشنی به زندگی این عالم ناشناخته باز می‌کند. خانم دکتر برادران در این کتاب که پاییز امسال روانه بازار شده، راوی روزگاری است که بر یکی از انسان‌ترین انسان‌های هم‌عصر ما گذشت. درباره این روایت با ایشان گفت‌وگو کردیم.

🔴 **کتاب «نا» چطور خلق شد؟**

این‌طور که از پژوهشگاه صدر با من تماس گرفتند و گفتند کارهای قبلی مرادیده‌اند و پیشنهاد تولید کتابی درباره زندگی شهید صدر را دادند. همان ابتدا دلم خالی شد، چون صدها همهیشه برای من جذاب بوده‌اند، اما خود شهید صدر در ذهن بیشتر ما آدمی است که هست؛ در همین حد که اسمش را شنیده بودم، می‌دانستم در عراق زندگی می‌کردند و در زمان صدام با خواهرشان شهید شدند. مهم‌تر از همه اینها در حوزه علوم انسانی هم اسم «فلسفتنا» و «اقتصادنا» را شنیده بودم.

محمدباقر صدر از جهت شخصیت علمی‌اش برایم مهم بود. ولی برای این کار مردد بودم و راحت نپذیرفتم. چون شناخت زیادی نداشتم. بنابراین به درخواست من چند کتاب فرستادند که بخوانم و با ایشان آشنا بشوم. کتاب شرح صدر را که خواندم، موضوع برایم بسیار جذاب شد و ناخودآگاه مرا کاملاً به خودش مشغول کرد، طوری که مدام با دوستانم درباره‌اش گفت‌وگو می‌کردم.

🔴 **در مقدمه کتاب درباره تصویری که از شهید صدر پیش از نوشتن «نا» داشتید گفتید، پس از نوشتن، این تصویر چه تغییری کرد؟**

همان عکس و همان تصویر برایم مأنوس‌تر شد؛ عالم متفکری که سرش به نوشتن و اندیشیدن گرم است. گاهی کسی را دوست داریم و این دوست داشتن فقط حسی است، اما گاهی این دوست داشتن همراه با شناخت است. الان علاقه من به شهید صدر در این وضعیت است و حالا می‌توانم به ایشان به‌طور فعال فکر کنم.

🔴 **چرا به اسم «نا» برای این کتاب رسیدید؟** در طول این روایت، احساس می‌کردم اگر آدم‌ها «ما» بودند، محمدباقر صدر شهید نمی‌شد. شهید صدر برای «ما بودن» خیلی زحمت کشید و در تجربه‌های زندگی ایشان هم مشهود است که هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، (حصری بود، دستگیری یا انزوارخ می‌داد) ما بودن، راه‌حل خارج شدن از بن‌بست می‌شد. اتفاق بد وقتی افتاد که آن شکاف ایجاد شد و ما دیگر ما نشد. این مسأله در آن روزهایی که می‌خواندم

گروه فرهنگ

یک نابغه متفکر

🔴 **به اضافه این‌که**

مریم برادران: من کارم را کرده‌ام. تا حد امکان سعی کردم بشناسم و دوست داشتنم را با دیگران به اشتراک بگذارم. دوست دارم آدم‌هایی که این کتاب را می‌خوانند، علاوه‌بر لذتی که امیدوارم منتقل بشود، به‌سراغ آثار شهیدصدر بروند. آثار هم فقط کتاب نیست، یک قسمتش همان خلق وخوی ایشان و زنده و جاری شدن آن در جامعه است. فقدان چشم‌پوشی از خطاها، نقدپذیری و تفکر به‌جای تقلید، از صفات عالمانه ما هستند. همین صفت‌هاست و با اخلاق را در ارکان ایشان بسیار دوست داشتم، چون نقطه مهم در علم‌ورزی است. ما در جامعه علمی خودمان این‌گونه نقادی را کم داریم و برای همین جلو نمی‌رویم و احساس خوشایند با هم رشد کردن را نمی‌چشیم.

نابغه بودن شهیدصدر قابل اعتناست، اما ایشان فقط نابغه نیست. نبوغ هرچند یاد داده ارزشمند خدادادی است؛ اما شهیدصدر را مرعوب و تافته جدابافته نکرد. به نظرم بیش از این‌که بگوییم ایشان یک نابغه است، بهتر است بگوییم متفکری در جامعه است، چراکه تأکید بر نبوغ می‌تواند فاصله‌مخاطب را از ایشان زیاد کند.

به نظر هرکسی این کتاب را بخواند از جنبه‌ای با شهیدصدر نقطه تلاقی پیدا می‌کند. من از زاویه درگیری‌های علمی، کسی که خانه‌دار است، از بعد عاطفی و شخصی با یک سیاستمدار از جنبه سیاست فکورانه و اخلاق مند. سعی کردم آن‌قدر که ممکن است به ابعاد مختلف ایشان در حد اشاره بپردازم.